



• سال هفدهم • شماره ۴۹۲۷
• دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۰
• ۳ ذیحجه ۱۴۳۲ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱



شنیدنی‌های شوک

« شوک اول اینکه:

این روزها که بازار افزایش اختلاس‌های جور واجور داغ است شنیده شده در عالم ورزش بعد از آن ماجرای «اختلاس جزبی» که چند تن از دوستان زحمتی را کشیده و انجامش داده‌اند، رئیس یکی از فدراسیون‌های مطرح ورزشی کشورمان هم به خودش آمده تا از آن دوستان عقب نماند. به همین دلیل خیلی سریع دست به کار شده و از آنجا که خودش توان (شما بخوانید جریزه) چنین کاری را نداشت، یکی از گزارشگران فوتبالی مطرح را به بیاری طلبیده و چون گزارشگر محترم این بار بر عکس آقای رئیس توان انجام چنین کارهایی را داشته، در یک اقدام جمعی و در چارچوب احترام متقابل به قانون پنجاه- پنجاه مقادیر قابل توجهی از دارایی‌های فدراسیون را اختلاس کرده‌اند یا به بیان خودمانی‌تر بالا کشیده‌اند. متأسفانه این دوستان به اندازه آن دوستان اولی آنقدرها هم حرفه‌ای نبودند و طی روزهای اخیر دست‌شان رو شده است (البته برای ما).

هیأت رئیسه این فدراسیون بعد از اطلاع از اقدام آقای رئیس بلافاصله تشکیل جلسه دادند و بعد از صرف مقادیری میوه و شیرینی، ایشان را به شدت محکوم و تهدید به اخراج کردند.

در پایان لازم به ذکر است دلیل افزایش این ماجرا از سوی نگارنده چیزی جز ژست‌های خاص وطن دوستی آقای گزارشگر نبوده که اکنون بیش از پیش به تصنعی بودن‌شان بی‌برده ایم.

« شوک دوم اینکه:

بعد از آقای… و سر به راه شدن تمامی بازیکنان فوتبال کشورمان و باقی نماندن حتی یک فوتبالیست که نیاز به اصلاح و تادیب داشته باشد، مدتی است که ستاد منشور اخلاقی فدراسیون فوتبال روزهای آرامی را سپری می‌کند.

« شوک سوم اینکه:

شنیده‌ها حاکی از آن است که یکی از کارشناسان فوتبال صدا و سیما که در برنامه نود هم حضور فعالی دارد، به جهت کمک مستقیم به رونق دوباره این ستاد، اقدام به ازدواج مجدد و پنهانی در شمال کشور کرده است.

تجدید فراش به خودی خود اشکالی ندارد، اما کارشناس محترم باید به نحوی تجدیدفراش می‌فرمودند که لاقفل ما مطلع نشویم و کار به اینجاها نکشد. البته قصد ما از درج این خبر اطلاع رسانی عمومی هم نبود، همین‌که همسر اول ایشان را در جریان گذاشتیم برایمان کفایت می‌کند.

« شوک آخر اینکه:

اواخر فصل گذشته بود که بازیکنان و مربیان یکی از تیم‌های پر طرفدار پایتخت طی مصاحبه‌هایی که با رسانه‌ها داشتند از وجود جاسوسی خبر دادند که خبرهای درون باشگاه و حتی مکالمات داخل رختکن را به بیرون منتقل می‌کند. بازار حدس و گمان حسایی داغ بود و تقریبا روزی نبود که مطبوعات ورزشی با ارائه دلایل و مستندات خود یکی از بازیکنان این تیم را "جاسوس" معرفی نکند. در این بین گاهی دیده می‌شد که بازیکنان این تیم نیز برای رهایی از حواشی پیش آمده، هم تیمی‌های خود را مورد اتهام قرار می‌دادند. ماجرا انقدر طولانی شد که همه بازیکنان ل اقل یک بار از زیر تیغ این اتهام سنگین گذشتند جز بازیکن قدیمی و محبوب تیم. کسی که بیش از همه پیگیر شناسایی و اخراج فرد خائن بود. یادآوری این ماجرای کهنه چندان بی‌ربط به زمان حال نیست. پیگیری‌های بی‌وقفه ما بر خلاف همیشه این بار نتیجه داد و روز گذشته مطلع شدیم که جاسوس سال گذشته تیم پایتخت نشین در واقع همان بازیکن محبوب بوده است.

این بازیکن به واسطه رابطه نزدیکی که با یکی از همکاران ما داشته است، اطلاعات و اخبار محرمانه درون تیمی را خواسته یا نا خواسته در اختیار وی قرار می‌داد و جماعت روزنامه نگار هم که رازداری از خصوصیات ذاتی شان محسوب می‌شود.



سیاه که گونه‌ای بسیار کمیاب است در کوه‌های مکران امکان دارد. مناطق زیبایی چون کوه و چشمه گل‌افشان، قلعه‌هایی چون پیروز گت، بلوچ گت و پیل بند در این منطقه واقع شده‌اند. نخل وحشی یا در اصطلاح محلی "داز" نیز درختچه‌ای است با برگ‌های پنجه‌ای شکل که به صورت وحشی در کوهستان‌های منطقه مکران می‌روید. میوه این گیاه شبیه میوه درخت کنار وحشی و بسیار شیرین و دلچسب است که بسیاری از حیوانات وحشی و اهلی منطقه هم از آن تغذیه می‌کنند. براساس کتیبه‌های تاریخی سرزمین مکران جزو ایالات مهم ایران بوده و در کتیبه‌های شوش و نقش رستم نام آن آمده است. روستاها و بخش‌هایی مثل زاید، لاش، گابریک، جگین، چهلوها، کمبلی، هوتک، داللی، لیردف، سدیج، کهپر و کاروان در جنوب این رشته کوه شگفت‌انگیز واقع شده‌اند.



جهان به خود جلب کند و سبب رونق‌بخشی جهانگردی در این منطقه محروم ولی غنی و مستعد کشورمان باشد.

شواهد فسیل‌شناسی و بررسی زمین‌شناسی نشان می‌دهد که عمق رسوبات انباشته شده در منطقه مکران به ۱۱۰۰۰ متر می‌رسد که از این نظر در ایران بی‌نظیر است. این رشته کوه که از تنگه هرمز تا بلوچستان ادامه دارد به دلیل غیرقابل نفوذ بودن و شرایط بیابانی، بسیاری از سطوح آن فاقد پوشش گیاهی است و چهره‌ای خشن، پرشیب با دره‌های تنگ دارد. این ارتفاعات با گسل‌هایی بریده‌بریده شده‌اند و بستر بیشتر رودخانه‌های منطقه در این گسل‌ها قرار دارند. در مورد فون جانوری این منطقه نیز مطالعات اندکی صورت گرفته است ولی یافتن خرس



◀ **مجید اسکندری**



مکران سرزمین شگفتی‌هایی که طبیعت با گذر زمان بر جای گذاشته و مناظر بدیع و چشم‌نوازی در گستره این خط باستانی به یادگار مانده است.

وقتی قدم به این دیار کهن می‌گذاری با مناظر زیبایی در کوه و دشت و بیابان روبرو می‌شوی که از دیرباز چشم‌انداز مردمانی سختکوش و مهربان بوده است. مردمانی که همتی به صلابت و پایداری برج‌های کوهی مکران و دلی به صفای دشت‌های بکر و پاک این سرزمین دارند.

برج‌های بلند کوهی، در مسیر رشته کوه‌های شگفت‌انگیز مکران در حاشیه راه جاسک و چابهار، آثاری طبیعی از دریای فروکش‌کرده روزگاران باستانی است که با فرسایش طبیعی و تدریجی زمین به شکل مجسمه‌های طبیعی سربرآورده‌اند به طور کلی قابلیت‌های بدیع و خفتمای که طبیعت در این منطقه برجای گذاشته است می‌تواند بنا برنامه‌ریزی صحیح جهانگردان بسیاری را از سراسر

3. حاشیه راه جاسک و چابهار

قلعه‌های سرزمین شگفت‌انگیز

گروه شوک: وقتی بشنوید یک جن عاشق زنی شده و اصرار دارد با وی ازدواج کند چه واکنشی از خود نشان می‌دهید؟!

شگفت‌انگیز نیست؟! حتماً باور نمی‌کنید اما زنی با مراجعه به پلیس یزد ادعا داشته علاقه‌ای پایاپایی بین وی و یک جن مرد به وجود آمده است!

زن ۳۰ ساله مادر دو بچه قد و نیم قد است و حرف‌های عجیبی دارد. جالب اینکه خودش در ابتدا به آن باور داشت غافل از اینکه در دنیای پوشالی دل به عشقی تخیلی داده است. این زن نگران هم بود، شوهرش را دوست داشت و بچه‌هایش را دلگرمی خود می‌دانست.

اما جن سمج مرتب سراغش می‌آمد.

وی وقتی به پلیس یزد مراجعه کرد، مضطرب بود و می‌خواست مشاوره بگیرد تا بهترین تصمیم را در این زمان بحرانی داشته باشد. حرف‌های جالبی داشت:

- دو هفته‌ای می‌شود که با یک جن آشنا شده‌ام، ارتباط عاطفی شدیدی بین ما برقرار شده است ابتدا فکر می‌کردم جن‌ها نمی‌توانند به آدم‌ها نزدیک شوند اما این جن می‌خواهد با من ازدواج کند.

زن آهی کشید:
- به این جن که اسمش سیاوش است گفتم‌ام که شوهر و بچه دارم و آنها عزیزان من هستند اما گوشش بدهکار نیست. اصرار دارد از شوهرم طلاق بگیرم، بچه‌هایم را رها کنم و با او ازدواج کنم، گفتم‌ام نمی‌توانم اما سیاوش واقعا عاشق من است.

این زن دیلمه که مرتب می‌گوید به مردان علاقه زیادی ندارد و جز شوهرش دلباخته کسی نبوده است

هر لحظه مرموزتر می‌شد:

- سیاوش چشمانی آبی، موهای بلند و صدایی قشنگ دارد، جملات زیبایی به کار می‌برد. هر وقت با این جن حرف می‌زنم احساس می‌کنم به شوهرم خیانت می‌کنم ولی نمی‌توانم از او جدا شوم. جمشید خیلی زود فهمید عوض شده‌ام به ناچار به او گفتم. خیلی ناراحت است تهدید کرد اگر به این رفتارهایم ادامه بدهم من را کتک خواهد زد. می‌گوید توهمی شده‌ام و در حال حاضر جمشید با من قهر است.

وی ادامه داد:جمشید می‌گوید چرا این موضوع جن را به همه فامیل و آشناها گفتم‌ام، البته همه خندیدند اما من سیاوش را دیده‌ام و صدای این جن را شنیده‌ام، چند باری این جن را از خودم دور کرده‌ام اما سیاوش هنوز منتظر است با من ازدواج کند، به بودن این جن عادت کرده‌ام و نمی‌دانم چه کنم! وقتی ادعاهای این زن نشان داد وی در شرایط غیرعادی روحی روانی است مأمور پلیس وی را به بخش مشاوره معرفی کرد.

همان بررسی‌های کارشناسانه نخست نشان داد جن بودن تخیل این زن را به چالش کشیده است. مشاور از این زن در خصوص سرگرمی‌هایش پرسید و وقتی شنید ماهواره برای خانه آنها از نان شب نیز واجب‌تر است و حتی بچه ۲ ساله‌شان تنها کارتون‌های ماهواره‌ای می‌بیند از مادر توهمی پرسید کدام شخصیت و سریال را دوست دارد؟! این زن خونسرد بود و خیلی راحت گفت:

- سریال همسان. در آن مردی به نام لوکاس که زن و بچه دارد دلباخته

زنی متأهل به نام «جی» است آنها می‌خواهند بچه‌هایشان سر و سامان بگیرند تا طلاق گرفته و با هم ازدواج



عمق رسوبات انباشته

شده در منطقه مکران

به ۱۱۰۰۰ متر می‌رسد

که از این نظر در ایران

بی‌نظیر است



کنند. راستش را بخواهید تصور می‌کنم سیاوش جنی شبیه لوکاس است او هم خیلی عاشق است و اصرار دارد با یک زن متأهل ازدواج کند، دلم به حال لوکاس و جی می‌سوزد کاش آنها به هم برسند.

مشاور آرام پرسید:

- فکر می‌کنی تو هم به این جن برسی؟!

زن اخم کرد:

اینطوری که شما می‌گویید انگار من خیالاتی شده‌ام، شاید هم راست می‌گویید.

- خودت چه تصویری داری؟

این‌بار زن جوان آرام گرفت.

- دو هفته‌ای می‌شد که خواهرم در کنارم نبود، احساس تنهایی می‌کردم تا اینکه تصور این شد که می‌بینید، تخیلی شدم و یک جن خیالی وارد فضای عاطفی‌ام شد.

نظر کارشناس:

ستوان یکم شیرمردی کارشناس و

مشاور مرکز مشاوره پلیس یزد که از نزدیک با این زن تخیلی گفت و گو داشته، معتقد است سیاوش یک جن غیرواقعی بوده که وی را به چالش کشیده است و پس از مشاوره این زن دربابر خود تردید کرد و گفت که آنچه می‌بیند و می‌شنود تخیل است.

وی می‌گوید: «با این حال در تعارض به سر می‌برد. می‌خواست تا سیاوش جنی در کنارش باشد تا کسی عاشقش باشد و می‌خواست از او رها شود تا خیانت نکند، وقتی از وی پرسیدم سیاوش را حتماً در یکی از فیلم‌های ماهواره‌ای دیده است اشاره به یک سریال کرد.»

این مشاور ادامه می‌دهد: «این داستان نیست قصه تلخ زندگی در خانه است که آتش خیانت از حفره‌های آن وارد شده است.

بیمار من تخیلی شده بود چون جسارت خیانت‌ر را در دنیای واقعی نداشت می‌خواست با یک جن خیالی به هیجانات درونی‌اش پاسخ

نگاهی کارشناسانه به یک پرونده واقعی که در یزد ورق خورد

دهد این زن اصیل و سنتی بود و وجدان اخلاقی مانع از آن شده بود تا نیازهایش را آشکارا ارضا کند و آنها را به خیالش برده بود.»

این کارشناس درخصوص اثر نامطلوب برنامه‌های مبتذل و غیراجتماعی ماهواره‌ای که کانون سالم خانواده‌ها را نشانه گرفته‌اند می‌گوید: ماهواره در خانه‌های عنکبوتی،به سادگی رسوخ می‌کند خصوصاً خانه‌هایی که بنیان آنها سست است، خانواده‌های ناسالم با آوردن ماهواره به کانون خانواده روابط خود را سست‌تر و ناهنجارتر می‌کنند، فیلم‌ها اثرات آشکاری بر ما دارند گاهی در تخیلمان با آنها همذات‌پنداری می‌کنیم و بیمار می‌شویم و گاهی در واقعیت به دنبال چیزی می‌گردیم که از جنس ما نیست.

وی در پایان توصیه می‌کند که امیدوارم هیچ‌کس مثل این بیمار جن‌زده نشود، دنیای حرفه‌ای امروز، ساده لوح‌ها را براحتی در خود غرق می‌کند و باید مراقب باشیم.